

موقعیت فعلی روسیه

فدراسیون روسیه با ۴۸/۶ تریلیون مترمکعب ذخیره گاز از مجموع ۱۵۰ تریلیون مترمکعب ذخایر جهانی گاز، نه تنها بزرگترین کشور دارنده ذخایر جهانی گاز تلقی می‌گردد بلکه با ۱۵۰،۰۰۰ کیلومتر خطوط لوله و قراردادهای امضاشده برای فروش ۲/۶ تریلیون مترمکعب گاز تا سال ۲۰۲۰، بزرگترین دارنده خطوط لوله گاز و عرضه‌کننده گاز در بازار جهانی محسوب می‌شود.^۱ روند صعودی افزایش صادرات این کشور از ۱۴ درصد مجموع تولید در اواسط دهه ۹۰ به حدود ۲۰ درصد در پایان این دهه و برنامه‌ریزی انجام شده برای رسیدن به ۷۰ درصد تولید برای صادرات در سال ۲۰۰۸، تلاشهای جدید این کشور در قالب پروژه‌هایی مانند بلواستریم و ایده احداث خط لوله گاز به چین و... نشان می‌دهد که این کشور قصد ندارد موقعیت خود را در بازار جهانی از دست بدهد. از طرف دیگر همه شواهد حاکی از افزایش میزان مصرف انرژی از اواخر دهه جاری میلادی است و لذا گفته می‌شود سهم گاز در سبد بین‌المللی مصرف انرژی به مراتب بهتر از امروز خواهد بود به گونه‌ای که کارشناسان معتقدند «از سال ۲۰۰۷، بازار جهانی گاز بازار تولیدکننده خواهد بود و نه مصرف‌کننده». شواهد فوق

۱. گاز پروم بزرگترین شرکت گازی روسیه و جهان، با در اختیار داشتن ۳۳/۴ تریلیون مترمکعب از ذخایر گازی روسیه، به‌تنهایی ۲۵ درصد ذخایر جهانی گاز را در اختیار دارد.

حاکمی از آن است روسیه با تکیه بر منابع عظیم گاز خود در بازار جهانی انرژی از موقعیت ممتازی برخوردار خواهد بود. آنچه که این موقعیت روسیه را با تردید و ابهام مواجه می‌نماید، عدم سرمایه‌گذاری روسیه در اکتشاف و توسعه میدانهای جدید گاز و حجم انبوه سرمایه مورد نیاز برای این امر می‌باشد. این شرایط، روسیه را در موقعیتی قرار داده که روند کاهش تولید گاز در این کشور ملموس شده است؛ به گونه‌ای که از اواسط سال گذشته و به‌ویژه امسال، روسیه برای انجام تعهدات خارجی خود مجبور به کاهش عرضه داخلی گاز گردید و تدابیر شدیدی به منظور دریافت مطالبات خود از کشورهای همسود اتخاذ نمود.

به این ترتیب روسیه با پارادوکسی از ضرورت و برنامه‌های بهبود موقعیت خود در بازار جهانی گاز از یک سو و مشکلات ملموس در سرمایه‌گذاری، تولید و ایفای تعهدات خود مواجه است. براساس آمار منتشره از سوی گاز پروم، این شرکت از سال ۹۵ تاکنون ۲/۷ تریلیون مترمکعب از ذخایر خود گاز برداشت نموده است؛ در حالی که فقط توانسته ۹۰۰ میلیارد مترمکعب از طریق اکتشاف جدید به ذخایر اضافه نماید. این در حالی است که بر اساس اعلام کالیوژنی وزیر سابق انرژی روسیه، این کشور برای حفظ وضع موجود خود در زمینه گاز باید هر پنج سال، ۳ تریلیون مترمکعب به ذخایر اکتشافی خود اضافه نماید تا بتواند در سال ۲۰۱۰ با تولید ۷۰۰ و در سال ۲۰۲۰ با تولید ۷۵۰ میلیارد مترمکعب گاز به تعهدات داخلی و خارجی خود عمل نماید.^۱

در یک نگاه اولیه، روسیه برای پاسخ به این مشکل، سال گذشته قرارداد خرید ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز از ترکمنستان را امضا نمود، امسال نیز در جریان سفر پوتین به عشق‌آباد و تاشکند، قرارداد اولیه تا ۳۰ میلیارد مترمکعب افزایش یافت و قرارداد خرید ۵ میلیارد مترمکعب

۱. خبرگزاری اینتر فاکس، مورخ ۲۷ آوریل ۲۰۱۰. لازم به ذکر است تولید فعلی روسیه سالانه ۵۸۶ میلیارد مترمکعب است.

گاز از ازبکستان به امضا رسید، لیکن تحولات دیگری که در صنعت گاز کشورهای منطقه اتفاق افتاد حاکی از آن است که مسکو مسأله خود را یک مسأله کلان، بلندمدت و بین‌المللی می‌نگرد تا تأمین نیازهای داخلی. لذا پاسخ روسیه به این پارادوکس به معنی وقوع رویدادی مهم در بازار جهانی گاز می‌تواند باشد که برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش، اهمیت حیاتی دارد و لازم است به منظور تعریف جایگاه کشورمان در بازار جهانی و منطقه‌ای گاز و انرژی مورد توجه و تأمل قرار گیرد.

روند بازگشت روسیه به بازار گاز منطقه و تحولات جدید آن

تا سال ۱۹۹۸، به‌رغم تحولاتی که در صنعت گاز منطقه اتفاق می‌افتاد، روسیه تهدیدی جدید و عملی برای جایگاه برتر خود در گاز منطقه احساس نمی‌نمود. از طرف دیگر نیازی به واردات گاز احساس نمی‌کرد؛ لذا خود را تعیین‌کننده بالقوه و بالفعل در صنعت و بازار گاز منطقه می‌دانست که نیازی برای پرداخت هزینه نمایش حضور نداشت. امضای قرارداد فروش گاز ترکمنستان به ترکیه در تاریخ ۱۹ فوریه سال ۹۹ تحول عمده و خطر مهمی را به گاز پروم گوشزد نمود. از طرف دیگر در این سال معلوم شد که موازنه اکتشاف - توسعه میادین و تعهدات داخلی و خارجی روسیه به علت عدم سرمایه‌گذاری لازم طی سالهای گذشته با روند خطرناکی منفی شده است به گونه‌ای که فقط در صورت واردات گاز برای تأمین نیاز داخلی می‌تواند به تعهدات بین‌المللی خود عمل نماید. در پاسخ به دو نیاز فوق، روسیه ابتدا تسهیلات لازم برای ترانزیت گاز ترکمنستان به اوکراین از طریق خاک خود را فراهم نمود و سپس بلافاصله اقدام به امضای قرارداد خرید ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز از ترکمنستان نمود. این روند با امضای قرارداد افزایش خرید گاز از ترکمنستان تا ۳۰ میلیارد مترمکعب و خرید گاز از ازبکستان به میزان ۵ میلیارد مترمکعب در جریان سفر اخیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه به این دو کشور ادامه یافت. همچنین اعلام شد

طرفین مذاکرات مربوط به افزایش خرید گاز از ترکمنستان تا ۵۰ یا ۶۰ میلیارد متر مکعب گاز در قالب یک قرارداد بلندمدت را ادامه خواهند داد.

پس از موضوع خرید گاز و توافق روسیه با این کشورها در مورد قیمت آن، موضوع مهمی که مطرح می‌شود، انتقال گاز به روسیه است که با توجه به موقعیت جغرافیایی قزاقستان، این کشور را به صورت اجتناب‌ناپذیری به عنوان عامل کلیدی و تأثیرگذار در این قرارداد مطرح می‌نماید. تحولات مسایل مربوط به خطوط لوله گاز در قزاقستان و افزایش تماسهای مسکو و آلمانی با محور گاز، در نیمه نخست سال جاری میلادی را می‌توان قرینه‌ای بر نقش مهم قزاقستان در نگرش جدید روسیه و مشخصاً گاز پروم به تجارت و ترانزیت گاز در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دانست.

تحولات گاز در قزاقستان

با شروع عملیات اجرایی ترانزیت گاز ترکمنستان به روسیه، شرکت بلژیکی تراکتبل^۱ که در سال ۱۹۹۷ حق انحصاری مدیریت و بهره‌برداری از خطوط لوله گاز قزاقستان را در جریان یک مناقصه بین‌المللی به دست آورده بود، از اواخر ماه ژانویه سال جاری تعرفه ترانزیت گاز از طریق قزاقستان را از ۶/۵ به ۱۲ دلار در هزار متر مکعب رساند که برای طرف روسی به معنی زیان قابل توجه و مهم‌تر از آن، حضور تعیین‌کننده یک شرکت خارجی در مسیر ترانزیت گاز بود. از طرف دیگر در قرارداد شرکت بلژیکی با دولت قزاقستان سود خالص دریافتی توسط دولت در مجموع ۱۲ درصد پیش‌بینی شده بود ضمن اینکه عملاً هرگونه برنامه صادرات گاز خود قزاقستان نیز تحت تأثیر مدیریت و تصمیمات شرکت بلژیکی قرار می‌گرفت. با امضای قرارداد روسیه و ترکمنستان، انتظار می‌رفت سود این شرکت در سال ۲۰۰۰ به ۲۵۰ میلیون دلار و در

1. Tractebel

صورت افزایش حجم قرارداد تا ۶۰ میلیارد مترمکعب، سالانه به بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برسد. لذا در مجموع مقامات قزاقستان احساس نمودند شرایط سیاسی و اقتصادی قرارداد با شرکت بلژیکی به زیان آنها می‌باشد. همین امر نقطه انطباق کامل منافع روسیه و قزاقستان بود و گاز پروم توانست با بهره‌برداری به موقع از آن، زمینه لازم برای تسلط بر خطوط لوله قزاقستان را فراهم نماید.

دولت قزاقستان پس از یک دیپلماسی فشرده با روسیه و گاز پروم، اعلام نمود شرکت بلژیکی پس از سه سال فعالیت در قزاقستان، موفق به اجرای هیچ یک از تعهدات خود در زمینه استقرار و احداث تجهیزات ترانزیت گاز در کشور و برقراری جریان مداوم گاز در مسیر شمال و شرق کشور نشده است. همچنین این شرکت به تعهد خود به رئیس جمهور قزاقستان مبنی بر مشارکت در پروژه فراقاره‌ای قزاقستان به ویژه انتقال گاز به چین و تأمین مالی پروژه عمل ننموده است. لذا پس از یک رشته فشارهای جانبی مانند فشارهای مطبوعات و سیستم مالیاتی، دولت قزاقستان اعلام نمود کل سیستم انرژی این کشور باید توسط دولت اداره شود و در مارس سال جاری این شرکت از مدیریت خطوط لوله خلع شد و اموال این شرکت به ارزش حدود ۱۷۰ میلیون دلار در قبال گازی که مقرر شد از سوی طرف روسی ارائه گردد، به شرکت قزاق ترانس گاز^۱ واگذار شد. گفته می‌شود تعهد روسیه برای پرداخت مطالبات شرکت بلژیکی، کمک مالی گاز پروم به سرمایه اولیه شرکت مشترکی است که مسکو و آلماتی توافق نموده‌اند برای استخراج، ترانزیت و صادرات گاز تشکیل دهند. نسبت سهام دو کشور در این شرکت به ترتیب ۴۹ و ۵۱ درصد پیش‌بینی شده است. برخی منابع اعلام نموده‌اند: «این شرکت نه تنها ترانزیت گاز ترکمنستان و ازبکستان به روسیه را تسهیل می‌نماید بلکه زمینه لازم جهت ترانزیت گاز این کشورها از طریق روسیه را نیز فراهم می‌نماید».^۲ علاوه بر این دو کشور، بالگیمایف رئیس

1. Kazaktransgaz

2. Oil & Capital, No.6/2000.

شرکت دولتی قزاق اوایل^۱ نیز اعلام نموده است آلماتی در نظر دارد گاز خود را از طریق روسیه به ترکیه صادر نماید.^۲ به این ترتیب می توان تصور نمود که کشورهای عمده تولیدکننده گاز برای صادرات خود به خط لوله ای نیاز خواهند داشت که انحصاراً توسط یک شرکت مشترک روس - قزاق اداره خواهد شد و عملاً از نظر فنی و مالی تحت کنترل روسیه (گاز پروم) خواهد بود.

مسایل و مشکلات روسیه برای مدیریت خطوط ترانزیت گاز

دو مقوله مهم برای روسیه عبارت است از:

- تعیین تکلیف سهم سرمایه گذاری طرف قزاقی در خطوط لوله برای بهسازی که تاکنون

مسکوت مانده است؛

- عمر خطوط لوله موجود.

خط لوله مرکزی در دهه های ۷۰ و ۸۰ ساخته شد و شامل پنج رشته لوله با قطرهایی از ۱۲۲۰ تا ۱۴۲۰ میلیمتر است. در ابتدای دهه ۹۰ در زمان شوروی این خط لوله سالانه تا ۶۰ میلیارد متر مکعب از گاز ترکمنستان را به روسیه ترانزیت نمود؛ اما اکنون بیشتر این خطوط نیاز به بهسازی دارد. برخی منابع اعلام نموده اند در شرایط حاضر فقط دو رشته از این خط لوله با ظرفیت حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب در سال قابل بهره برداری می باشد^۳ و اگر قرار به انتقال ۵۰ میلیارد متر مکعب باشد چهار رشته لوله مورد نیاز خواهد بود. به این دلیل است که توافق برای خرید این حجم از گاز ترکمنستان در سفر پوتین نهایی نگردید و به ۳۰ میلیارد متر مکعب برای سال ۲۰۰۱ اکتفا شد؛ چون خط موجود ظرفیت این حجم را ندارد. این امر همچنین کندی روند مذاکرات مربوط به قیمت گاز بین مسکو و عشق آباد را توجیه می نماید.

1. Kazakoil

۲. خبرگزاری ایترفاکس، مورخ ۹ آوریل ۲۰۰۰. ۳. همان منبع.

نگرش جدید روسیه به ترانزیت و تجارت گاز

به‌رغم اینکه قرارداد امضا شده با ترکمنستان و سپس ازبکستان ظاهراً با هدف تأمین نیاز فوری روسیه صورت گرفت لیکن می‌توان به آسانی درک نمود که مجموعه شکل گرفته با مدیریت و دیپلماسی روسیه، ساختار یک تشکل اعلام نشده گازی را نشان می‌دهد که از کلیه امکانات لازم برای تأثیرگذاری بر بازار جهانی گاز و انرژی، شامل منابع گاز، امکانات و مسیر ترانزیت و دسترسی مستقیم به بازارهای مصرف و قراردادهای امضا شده صدور گاز برخوردار است. توجه به ایده «ویاخیرف» مدیر عامل گاز پروم مبنی بر تشکیل سازمانی از کشورهای صادرکننده گاز مانند اوپک که سال گذشته در کنگره جهانی گاز در اروپا مطرح نمود، بخوبی هدف روسیه از امضای قراردادهای خرید گاز از ترکمنستان و ازبکستان و تسلط بر خطوط لوله قزاقستان را روشن می‌نماید. این ایده که اکنون به تحقق عملی خود تا اندازه زیادی نزدیک شده است را باید «نگرش جدید روسیه به تجارت و ترانزیت منطقه‌ای و جهانی گاز» دانست. پذیرش پیشنهاد قزاقستان مبنی بر مشارکت گاز پروم در احداث خط لوله گاز این کشور به چین نیز در همین راستا قابل توجیه است.

سؤال مهم قابل طرح این است که آیا روسیه پذیرفته است که کشورهایی مانند ترکمنستان و ازبکستان و حتی قزاقستان را در کنار خود به عنوان عرضه‌کننده گاز وارد بازار جهانی نماید یا اینکه مسکو نوعی تقسیم‌بندی طبیعی را به صورت کشورهای تولیدکننده (شامل ترکمنستان، ازبکستان، روسیه و تا اندازه‌ای قزاقستان)، ترانزیت‌کننده (قزاقستان و روسیه) و عرضه‌کننده در بازار جهانی (خود روسیه با خرید گاز از کشورهای تولیدکننده) در این تشکل اعمال خواهد نمود؟ تلاش و سرمایه‌گذاری هنگفت روسیه برای تسلط بر خطوط لوله قزاقستان به عنوان کلید اصلی این تشکل حاکی از آن است که روسیه در شرایط عادی این تقسیم‌بندی طبیعی را مبنای همکاری در این تشکل قرار خواهد داد مگر اینکه شرایط بازار جهانی گاز و توان سیاسی روسیه گزینه دیگری را ایجاب نماید؛ لیکن حتی در این صورت نیز

روسیه با برخورداری از همه عوامل شامل تولید، ترانزیت و حضور سنتی در بازار مصرف جهانی، موقعیت برتر را در این تشکل اعلام نشده خواهد داشت.

بحث مهم دیگری که قابل طرح است، گستره این تشکل می باشد. در حال حاضر با مشارکت روسیه، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان، این تشکل گستره‌ای منطقه‌ای را پوشش داده است که تا تحقق ایده تشکیل سازمانی از کشورهای صادرکننده گاز فاصله دارد اما روسیه به صورت ضمنی تلاش نموده حتی المقدور گستره این تشکل را با دعوت مکرر از جمهوری اسلامی ایران برای نگرش جامع و کلان به بازار جهانی گاز گسترش دهد. آخرین مورد از این دعوت در جریان ملاقات معاون وزیر نفت با آقای رمیزف قائم مقام گاز پروم در مسکو صورت گرفت. طرف روسی در این ملاقات از ابتکار جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل اولین اجلاس کارشناسان ارشد کشورهای صادرکننده گاز استقبال و اعلام آمادگی نمود که با دریافت دعوتنامه مربوطه، در بالاترین سطح در این اجلاس مشارکت خواهد کرد.

با توجه به جایگاه جهانی گاز پروم در تولید، صادرات و بازار جهانی گاز، زمینه‌های وسیع همکاری در ابعاد مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه در این زمینه وجود دارد. به رغم گذشت بیش از چهار سال از اولین تماسهای طرفین، متأسفانه تاکنون فقط مشارکت گاز پروم در پروژه فازهای دوم و سوم پارس جنوبی عملی شده است که آن را می توان تحقق بخش اندکی از پتانسیل روابط دوجانبه در این بخش دانست. برنامه‌های وسیع سرمایه‌گذاری کشور در پروژه‌های گاز، به‌ویژه با توجه به گرایش صادراتی این پروژه‌ها ایجاب می‌نماید که توجه بیشتری به گاز پروم بشود. علاوه بر موضوع اصلی یعنی گاز، جایگاه سیاسی گاز پروم در داخل روسیه نیز تأکیدی بر این ضرورت است زیرا گاز پروم در صحنه سیاسی روسیه به عنوان یکی از اهرمها و محورهای اصلی سیاست کلان داخلی تلقی می‌شود.

رضا زبیب